



شما از ایران بروید

گیسو فقفوری

آمده است. برگزاری جشنواره شش‌ماهه سرگرمی و موسیقی در این کشور که تعداد زیادی از نام‌های شناخته‌شده جهان سرگرمی در آن حضور دارند. ۲۵۰ هزار نفر در خیابان‌های این کشور شاهد آغاز جشنواره بودند؛ از گروه معروف bts کره جنوبی تا چهره‌های برتر پاپ جهان همه به این کشور رفته‌اند. بزرگ‌ترین سرسره در این کشور ساخته و رکورد آن در گینس ثبت شده است. در واقع دنیای سرگرمی به این کشور رفته و مردمش (غیر از فعالان مدنی که با کوچک‌ترین اعتراض به زندان می‌افتند یا مانند خاشاچی کشته می‌شوند) در حال بهره‌برداری از امکاناتی هستند که پیش از این برایشان ممنوعه و غیرقابل دسترس بود. مردم و رضایت‌مندی آنها در این کشور رفته‌های مسئولان این کشور قرار گرفته است. در کشور ما شرایط به گونه‌ای دیگر پیش می‌رود، پس از همسویی قوه‌های مجریه، قضائیه و مقننه انتظار می‌رفت که توجه به مردم و نیازهایشان هر روز بیشتر و بیشتر شود. مجلسی که خود را با وجود مشارکت حداقلی در ۴۰ سال پس از انقلاب، برآمده از ملت می‌داند، سعی بسیار بر ناراضی‌سازی دارد. طرح‌هایی که با عنوان صیانت فضای مجازی و صیانت در برابر حیوانات خانگی، حذف غربالگری... ارائه می‌شود یا سخنان برخی مسئولان مدام بر ممنوعیت‌ها و دخالت در جزئی‌ترین رفتارهای شخصی افراد دلالت دارد. انگار همه در راستای این است که فاصله بین مردم جامعه را بیشتر و بیشتر کند و درعین‌حال امکان قرارگرفتن افراد را رودرروی هم بیشتر می‌کند، همین چند وقت پیش بود که فیلم دعای دو خانم بر سر حجاب در مترو منتشر شده بود و مواردی از این دست بسیار است. سؤال اصلی این است که این وضعیت با چه هدفی در حال انجام است؟ آیا می‌شود مدام دستور صادر کرد که فردی از کشور خودش برود؟ انگار فراموش شده که در نهایت همه ایرانی هستیم. اینجا خاک ماست و هر قام نیست به همین سادگی آن را ترک کنیم؟ مردمی که مانده‌اند؛ هرچند لذت خوشی ندارند، اما روزهای سخت‌زیدی را پشت سر گذاشتند و نرفته‌اند. سؤال این است که مگر وقت روزه‌ها کردن به همین راحتی است؟ اصلا چرا باید کشور خود را ترک کنیم؟ آیا به دوران کوچ اجباری لهستانی‌ها از

ریاکاری در روزگار تنگی معیشت مردم



محمدتقی فاضل‌میبیدی

خدايي که به آنها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطرانشان ایمن ساخت.» اینها درس‌آموخته‌هایی است که سال‌ها و قرن‌هاست همراه ماست و بر آن تاکید می‌شود. دولت‌مردان و مسئولان کشور ما هم باید بدانند که در کنار عبادتی که انجام می‌دهند برای معیشت جامعه هم تلاش کنند. نمی‌شود که در مجلس شورای اسلامی بر نماز اول وقت تاکید کنیم ولی در همان مجلس قوانینی تصویب شود که روزگار و معیشت مردم را به خطر بیندازد. اگر چنین شود مردم آن نماز اول وقت را از روی ریا می‌دانند. حتی اگر از روی ریا نباشد؛ ولی چون در کنار آن اهمیتی برای بهبود امور جامعه دیده نمی‌شود؛ چراکه اهتمام به بهبود امور جامعه و وضع مردم مقدم بر هر چیزی است. می‌دانیم که در توصیه‌های دینی صلات در کنار زکات قرار گرفته است و این یعنی عبادت در کنار تأمین معیشت مردم. در جای دیگر انفاق در کنار صلات قرار گرفته است. انفاق تلاشی است برای آزرین‌بردن شکاف‌های طبقاتی جامعه و آن را هم‌سنگ نماز دانسته‌اند. این هم‌نشینی‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که مسئله تأمین معیشت مردم تا چه میزان مهم است و باید برای آن تلاش کرد. اگر هر فردی با ظاهر به مذهب در جامعه‌ای دینی به پست و مقام و مسئولیتی برسد ولی برای رفع مشکلات معیشتی جامعه تلاشی نکند راه به جایی نمی‌برد. اینجاست که جامعه رفتار او را در یک ترازو قرار می‌دهد و به او برجسب ریاکار می‌زند. اگر می‌خواهیم یک جامعه دینی داشته باشیم باید شرایط اقتصادی را هم برای دین‌داری مردم فراهم کنیم. چراکه بارها در احادیث اشاره شده در جامعه‌ای که مردم نانی برای خوردن نداشته باشند انگیزه‌های هم برای عبادت ندارند. این همه از دین‌گریزی جوانان شکایت می‌شود اما کسی برای اینکه شرایط اقتصادی را برای آنها آرام و بدون تلاطم کند که بتوانند به دین‌داری خود برسند تاکید‌ی ندارد و تلاشی نمی‌کند.

وسواس فرهنگی یا پاسداری از فرهنگ!



محمود جواد شکوری مقدم فعال فرهنگی

این روزها تقریباً بیشتر وقت و زمان پای گفت‌وگو و مذاکره بر سر ممیزی‌ها و برک‌های ارزیابی ساترا (سازمان تنظیم و مقررات صوت و تصویر فراگیر) صرف می‌شود و بیش از هر زمانی درک می‌کنم چرا صدواسمیی کشور به این سطح از بی‌رنگی و بی‌مزگی کشیده شده است. امروز وقتی خبر ممیزی کتاب آخر سعیدمهدی شجاعی را از زبان خودش در فضای مجازی شنیدم، فکر کردم دیگر شورت از این شاید نشود و باید حتماً چیزی بنویسم هرچند که بعید است شنیده شود به قول شاعر: «مرکز افتاده برون بس که شد این دایره تنگ». احتمالاً افراد وسواسی اطرافتان را دیده‌اید، ساعت‌ها دست‌هایشان را می‌شویند ولی دوباره احساس کثیفی می‌کنند و دوباره می‌شویند، آن‌قدر این کار را تکرار می‌کنند که رنگ دست‌هایشان عوض می‌شود، آن‌قدر که به سفیدی و بی‌رنگی می‌انجامد و همچنان احساس می‌کنند کار تمام نشده و باید دوباره بشویند و این سیکل بی‌نهایت ادامه دارد. این اختلال روانی (وسواس) ناشی از ریشه‌های مختلف است، ریشه‌هایی از جنس عدم اعتماد‌به‌نفس یا رفتارهای غلط بیوسه و درازمدت، عرضه‌های که امروز بیش از دیروز گریبان مسائل فرهنگی ما را گرفته است. هدف شخص وسواسی آن است که تمیز شود و از نظافت خود مراقبت کند ولی افراط و خروج از نقطه تعادل، او را به ورطه دیگری سوق می‌دهد، دقیقاً در مراقبت فرهنگی هم، همین عرضه وجود دارد. مراقبان فرهنگی هدف مثبتی ندارند؛ ولی افراط و احتیاط بیش از حد، آنها را به دنیای جدیدی می‌کشاند، دنیایی که به دلیل احتیاط بیش از اندازه، از هر سکانس، صفحه فیلم‌نامه یا کتاب مسئله‌ای خلق می‌کنند، نیت‌خوانی می‌کنند و کج می‌بینند و درنهایت حذف آن را به صلاح و احتیاط نزدیک‌تر احساس می‌کنند. نمره این نگاه وسواسی اگر



امیکیبوک: لری سلرز بازیگری که بیشتر برای ایفای نقش «ایر سفید» در سریال «پزشک دهکده» شناخته می‌شد درگذشت. جین سیمور بازیگر نقش دکتر کوپین در مجموعه «پزشک دهکده» در یک پست اینستاگرامی نوشت: لری سلرز واقعاً قلب و روح دکتر کوپین بود. حضورش جادویی، عرفانی و معنوی بود. احساس خوشبختی دارم که آن سال‌های شگفت‌انگیز را با او گذراندم.



دیلی‌میل: تیلور سوئیفت، ستاره موسیقی پاپ، با شکایت ترانه‌سرایی روه‌رو است که ادعا می‌کند او در ترانه موفق «شیک ایت آف» در سال ۲۰۱۴ کلماتی از اشعار آنها را کپی کرده است. مایکل دابلیو فیترزالد، یک قاضی منطقه‌ای در آمریکا، روز پنجشنبه درخواست این خواننده برنده گرمی مینی بر کنارگذاشتن این پرونده را رد کرد و می‌گوید مدارک قابل توجهی در این پرونده وجود دارد.



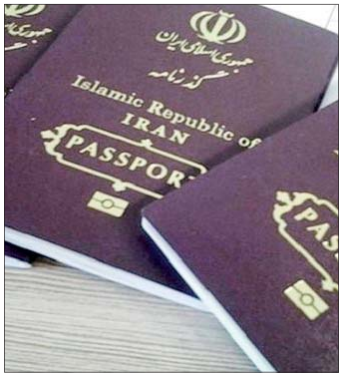
بی‌بی‌سی: وزیر بهداشت بریتانیا درباره سرعت خارق‌العاده شیوع سویه اومیکرون هشدار داد. او گفت: تعداد موارد ابتلا در هر دو، سه روز، دو برابر می‌شود و موجی از ابتلا در راه خواهد بود. گفته شده اومیکرون حدود ۴۰ درصد از کل موارد ابتلا به کرونا در لندن را شامل می‌شود. اومیکرون سطح هشدار در بریتانیا را به درجه چهار افزایش داده است.



عبدالرضا ناصر مقدسی متخصص مغز و اعصاب

این روزها پیامک‌های زیادی با پیشنهاد کار در کشورهای همسایه به گوشی‌های همراه پزشکان و پرستاران فرستاده می‌شود. وقتی پزشکان و پرستاران در بدترین شرایط ممکن در این کشور به کار می‌پردازند و نسبت به حجم و کار بالا و استرس فراوان آن، درآمد اندکی دارند، این پیشنهادها برای هرکسی درخور تامل و توجه است. از ابتدای کرونا تاکنون هزاران پزشک و پرستار کشور را ترک کرده و بسیاری دیگر نیز درصدد ترک آن هستند. دانشجویان فراوانی به من مراجعه کرده و درخواست شرکت در کارهای تحقیقاتی را دادند. وقتی دلیل علاقه آنها به کار تحقیقاتی را می‌پرسم، همه فقط یک هدف دارند؛ اینکه روزمه خوبی برای خودشان دست‌وپا کنند تا به واسطه آن در دانشگاه خوبی پذیرش گرفته و کشور را ترک کنند. گاه از خودم خجالت می‌کشم که به‌عنوان یک مدرس دانشگاه نمی‌توانم هیچ جذیبتی در بین دانشجویانم ایجاد کنم تا مگر به واسطه آن، هدفشان از کار تحقیقاتی نه رفتن از این سرزمین، بلکه ارتقای علم و دانش باشد؛ علم و دانشی که سال‌هاست اهمیت آن در کشور ما از یاد رفته و نتیجه آن همان چیزی می‌شود که هر روز در کشورمان شاهد هستیم. وقتی بسیاری از پزشکان عمومی در زیر خط فقر هستند و برای همین به کاری جز درمان می‌پردازند، وقتی دریاقتی یک پزشک متخصص با ۲۰ شب کشیک و کار فراوان در یک منطقه محروم حداقل ممکن است، نمی‌توان از کسی که عمر و جوانی‌اش را برای این رشته گذاشته، انتظار داشت به این زندگی سخت خود بعد از آن همه سختی‌ها ادامه دهد و به جایی نرود که به راحتی و با زحمت کمتر، زندگی بسیار بهتری را به او و خانواده‌اش پیشنهاد می‌کند.

باید به اینها توهین‌ها و فشارهای روانی‌ای را هم اضافه کرد که برخی از نهادهای رسمی به پزشکان وارد می‌کنند. هنوز صدواسمیی این مملکت از درآمدهای نجومی پزشکان و لزوم کاهش آنها سخن می‌گوید. من نمی‌دانم این درآمدهای نجومی کجا هستند و وقتی اکثر پزشکان توانایی فراهم‌کردن یک زندگی حداقلی را برای خانواده خود ندارند؛ چرا یک پزشک و پرستار باید در کشوری بماند که نه‌تنها حق او را نمی‌دهند، بلکه از توهین و



افترا به او هم کوتاهی نمی‌ورزند؟ و نتیجه همه اینها همین می‌شود؛ اینکه کشورهای هم‌جوار ما به واسطه حضور نیروهای متخصصی که در ایران درس خوانده‌اند و برای آنها سرمایه‌گذاری و هزینه شده است، وضعیت سلامت و پزشکی خود را به بالاترین شکل ممکن ارتقا بخشند. حاکمیت نیز البته به جای حل این مشکل و فراهم‌آوردن شرایط مناسب برای پزشکان و پرستاران، صحبت از افزایش ظرفیت‌های پزشکی کرده و با ایجاد سهمیه‌های گوناگون، دانشگاه‌های ما را از دانشجویانی پری‌کرده که در حالت عادی و در رقابتی عادلانه به‌هیچ‌وجه نمی‌توانستند وارد رشته‌های خطیری مانند پزشکی شوند، فاجعه در سیستم بهداشت و درمان ما قریب‌الوقوع است و مثل تمام بحران‌ها هیچ‌گونه اراده‌ای برای حل آن نیز مشاهده نمی‌شود.

کاردین: بوریس جانسون به‌تازگی در پارلمان بریتانیا از انتشار ویدئویی که درباره برگزاری میهمانی کریسمس بود، عذرخواهی کرد. او همچنین صاحب یک دختر شده است. این دومین فرزند نخست‌وزیر و همسر فعلی‌اش در دو سال گذشته است. تعداد فرزندانش از ازدواج‌های قبلی را هیچ‌گاه اعلام نکرد اما برخی معتقدند او اکنون صاحب شش فرزند است.

آوسوئیندیرس: در سال ۱۹۳۶ وزیر اقتصاد ژاپن در اقامتگاه نخست‌وزیر به قتل می‌رسد. از آن زمان تاکنون همیشه معروف بود این ساختمان روح‌زده است. چنان‌که در ۹ سال اخیر هیچ‌کدام از نخست‌وزیران ژاپن در آن اقامت نداشتند. حالا قومپو کشید، نخست‌وزیر جدید، بعد از سال‌ها در این ساختمان اقامت گزیده و به خبرنگاران گفته: دیشب تخت خوابیدم!



ایسنا: پیکر جلال پیشواییان قرار نیست به ایران بیاید. این بازیگر قدیمی سینمای ایران که به دلیل حضورش در نقش‌های منفی مشهور بود، روز شنبه ۲۰ آذر در آلمان درگذشته است. عبدالله علیخانی و رضا بانکی در گفت‌وگویی با ایسنا این خبر را تأیید کردند. این بازیگر از مدت‌ها قبل دچار بیماری بود و خبر درگذشت او هم از طریق یکی از اقوام این بازیگر منتشر شده است.